

## اعتبار تعهدنامه‌های پذیرش نوسانات نرخ ارز آخذ شده پس از عقد قرارداد ارزی

سید امیرحسین سیدی\*

### چکیده

یکی از نتایج بسیار مهم تحریم‌ها بر نظام اقتصادی ایران، ایجاد محدودیت‌های شدید ارزی است. از این روی ارز در ایران کالایی ارزشمند برای ذخیره ارزش محسوب می‌شود. از سوی دیگر باید توجه داشت که به تبع نیازهای متعدد ارزی کشور و محدودیت منابع، همواره سیاستگذار با محدودیت‌های جدی در تشخیص نیاز کشور و تخصیص ارز مواجه است. این محدودیت‌ها، عمدتاً خود را در مدیریت واردات کالا در برهه زمانی بروز نیاز عمومی کشور و زمان تغییر اولویت کشور پس از تخصیص ارز نشان می‌دهد. این دو محدودیت سیاستگذار که در تعارض با اصل پیش‌بینی پذیری در تجارت است، طبعاً بر خلاف اصل بوده و بدون در نظر گرفتن تعهد جداگانه یا شرط معتبر، قابل استناد نیست اما «آیا تعهدنامه‌های مورد نظر، باید همزمان با عقد قرارداد آخذ شوند یا چنانچه تعهدی پس از عقد قرارداد نیز منعقد شود، معتبر و قابل استناد است؟» این نوشتار ضمن بررسی دو دادنامه مرتبط با یک دادخواست در شعب بدوی و تجدیدنظر، نشان می‌دهد چنانچه تعهدنامه‌های پذیرش مابه التفاوت نرخ ارز ناشی از تغییر گروه کالایی یا تأخیر در ارائه اسناد حمل، پس از عقد قرارداد آخذ شده باشد، نوعاً سوء استفاده از اضطرار محسوب شده و غیرنافذ است.

**واژگان کلیدی:** مابه‌التفاوت نرخ ارز، سوءاستفاده از اضطرار، اکراه، تغییر گروه کالایی، اصل تأخر حادث.

\* دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

## مشخصات رأی (بدوی)

شماره دادنامه: .....

تاریخ صدور: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶

خواسته: الزام طرف شکایت به رفع تعهد ارزی واردات کالاهای موضوع بخشنامه  
ابطال شده

خواهان: شرکت م.م.م.

خوانده: بانک ملی و بانک مرکزی

مرجع رسیدگی کننده (صدور رأی): شعبه بدوی دیوان عدالت اداری

### رأی شعبه بدوی

وکیل شاکی با تقدیم دادخواست به خواسته فوق که به شماره صدرالاشاره ثبت و به این شعبه ارجاع شده است اجمالاً اظهار داشته: «با عنایت به اینکه موکل در قرارداد اولیه، هیچگونه شرط معتبری جهت پرداخت مابه التفاوت نرخ ارز ارائه ننموده است و بخشنامه مورد استناد بانک عامل ابطال گردیده است، لذا الزام بانک عامل به رفع تعهد ارزی و استرداد وثائق تودیع شده از سوی موکل را دارم.» طرفهای شکایت در پاسخ به شکایت شاکی، به موجب لایحه دفاعیه شماره ۱۹۰۱۰۵۴ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۳ که در دفتر شعبه ثبت شده، اعلام کرده: «مرجع رسمی و قانونی ایجاد و رفع تعهدات ارزی بانک مرکزی است و بانک ملی صرفاً به عنوان بانک عامل، سیاستها و مقررات اعلامی را اجرا می نماید و اصولاً طرح دعوای مربوطه به طرفیت این بانک فاقد وجهت قانونی است.» و بانک مرکزی ج.ا.ا. نیز به موجب لایحه [به] شماره [ثبت] ۴۵۶۴۸۶۱ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۹ [این شعبه] بیان نموده: «با عنایت به اینکه تاریخ بخشنامه مقدم بر تاریخ انجام حواله ارزی موضوع پرونده است و با توجه به اخذ تعهد پذیریش نوسانات نرخ ارز از ایشان، بر خلاف ادعای خواهان، موضوع دعوای مطروحه خارج از شمول آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری است؛ لذا رد دعوای مطروحه مورد استدعاست.» اینک جلسه رسیدگی شعبه در وقت فوق العاده تشکیل است و پس از بررسی دلایل و مستندات طرفین، ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

«با لحاظ اینکه اولاً در خصوص مقوله ارز شورای محترم نگهبان در موارد متعددی مطالبه مابه التفاوت ارز در فرض هایی که فروش قطعی ارز صورت پذیرفته و مابه ازای ریالی آن توسط واردکننده پرداخت شده است و یا تعهدنامه نوسانات ارزی در هنگام تخصیص ارز از اشخاص اخذ نشده را غیر شرعی اعلام [نموده] که مفاد آن در آرای متعدد هیئت عمومی دیوان عدالت اداری تلبور یافته است از جمله آرای شماره ۷۲۹ الی ۷۳۷ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۲۳ و شماره ۲۷۵ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۲۸ که بخشنامه های صادره که دلالت که<sup>۱</sup> [لزوم دریافت] مابه التفاوت نرخ ارز داشته است از این جهت ابطال شده‌اند ثانیاً در مانحن فیه، تمامی مابه ازای ریالی ارز پرداخت شده است و اخذ تعهدنامه بعد از تخصیص اولیه و در هنگام ترخیص کالا [صورت گرفته] که حکایت از اضطراب اشخاص به ارائه آن می‌باشد، [لذا] به نظر [تعهدنامه‌های موضوع پرونده] منطبق با مفاد نظرات شورای محترم نگهبان که [اعتبار] تعهدنامه حین تخصیص را بیان [و تأیید] می‌نماید، نمی‌باشد ثالثاً فروش کالا را با لحاظ نوع و ویژگی خاص آن تحت نظر مراجع ذی ربط قانونی انجام شده است و با لحاظ قیمت ارز تخصیص یافته توسط شاکی در نظام توزیع به فروش رسیده است و هرگونه اخذ مابه الفتاوت بدون اینکه روی قیمت تمام شده کالا محاسبه شود، نوحی اجحاف در حق واردکننده است رابعاً هیچگونه شرطی بر [لزوم] پرداخت مبالغ دیگری [از سوی شاکی] وجود ندارد فلذا مجموعاً شکایت شاکی را به استناد مواد ۱۰ و ۱۱ و ۶۵ از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری وارد تشخیص [داده] و حکم به رفع مطالبه‌نامه مابه‌التفاوت [نرخ ارز] و پرداخت [مابه‌التفاوت] نرخ ارز صادر می‌نماید. رأی مزبور ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدید نظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.»

۱. بنظر مقصود قاضی محترم «به» بوده است که به علت سهو قلم، «که» نگاشته شده است.

## مشخصات رأی (تجدیدنظر)

شماره دادنامه: .....

تاریخ صدور: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹

خواسته: تجدیدنظرخواهی از دادنامه شماره \*\*\*\*\*

مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۶

صادره از: شعبه بدوی

تجدیدنظرخواه: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تجدیدنظرخواندگان: شرکت م.م.م. و بانک ملی ایران

مرجع رسیدگی کننده (صدور رأی): شعبه تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

### رأی شعبه تجدیدنظر

تجدیدنظرخواه دادخواستی را به خواسته فوق تقدیم که پس از ثبت در دبیرخانه به این شعبه ارجاع گردیده است. حسب محتوای پرونده شاکی شکایتی را به خواسته الزام طرف شکایت به رفع تعهد ارزی واردات کالای موضوع بخشنامه ابطال شده شامل گوشت، کرده، حبوبات، چای و کاغذ به طرفیت ۱- بانک ملی (شعبه فردوسی) ۲- بانک ملی (اداره حقوقی و دعاوی) ۳- بانک مرکزی تقدیم نموده که شعبه بدوی مطابق دادنامه تجدیدنظرخواسته، حکم به ورود شکایت صادر می نماید. پس از ارسال نسخه دوم دادخواست، لایحه دفاعیه از وکیل شرکت م.م.م. واصل که [در دفتر این شعبه] به شماره ۳۷۴۸۲۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۲۸ ثبت لایحه گردیده است. جلسه دادرسی شعبه در وقت نظارت به تصدی اعضای حاضر و امضاء کنندگان] زیر تشکیل شده است. با توجه به مفاد اوراق و محتویات پرونده و مشاوره پیرامون موضوع، ختم دادرسی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال به شرح آتی اقدام به انشاء رأی می نماید.

«در خصوص دعوی تجدیدنظرخواهی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به طرفیت ۱- شرکت م.م.م. با وکالت آقای م.س. ۲- بانک ملی (شعبه فردوسی) ۳- بانک ملی (اداره حقوقی و دعاوی) نسبت به دادنامه شماره ۲۵۴۵۳۱۲ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۶ صادره از شعبه بدوی دیوان عدالت اداری که به موجب آن حکم به

ورود شکایت شاکی صادر گردیده است، با توجه به مفاد اوراق و محتویات پرونده و به ویژه شکایت شاکی در مرحله بدوی ۱- نظر به اینکه خواسته شاکی صراحتاً اجرای رأی وحدت رویه به شماره مذکور در شکایت و در اجرای ماده ۱۰۹ قانون حاکم می‌باشد (تبصره یک ماده ۱۰۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری) که از امر خارج از صلاحیت شعبه بدوی و در صلاحیت واحد اجرای احکام با رعایت تشریفات قانونی مربوطه می‌باشد، لذا دادنامه تجدیدنظر خواسته در این قسمت نقض و قرار عدم صلاحیت به [شایستگی و] اعتبار واحد اجرای احکام صادر می‌گردد. ۲- استدلال شعبه محترم بدوی مبنی بر وجود اضطرار فاقد دلیل اثباتی است هر چند که به صراحت ماده ۲۰۶ قانون مدنی، حتی در فرض وجود اضطرار، معامله (قرارداد) اضطراری نافذ است. ۳- نظریه فقهای محترم شورای نگهبان دارای دو فرض اصلی است اول ضمن شرط معتبر در قرارداد اولیه ۲- ضمن تعهد معتبر شرعی پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز تعهد نشده باشد که در پرونده حاضر موضوع از مصادیق بارز شق دوم نظریه می‌باشد و شاکی متعهد به پرداخت گردیده و این تعهد به شرح برگ ۶۷ پرونده در زمان انعقاد عقد اولیه سپرده شده است؛ لذا دادنامه تجدیدنظرخواسته در این قسمت به استناد مواد ۶۵ و ۷۱ قانون دیوان عدالت اداری، نقض [و] حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.»

## مقدمه

تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران، منجر به قطع کامل دسترسی ایران به ساختار پرداخت رسمی در معاملات خارجی شد. این قطع دسترسی در سطوح مختلف تجارت خارجی، نتایج متعددی از جمله موارد ذیل را رقم زد:

- در عرصه سیاست داخلی برای حاکمیت: محدودیت در پاسخگویی به تقاضای ارز، ملموس‌ترین معضل حاکمیت در نزاع با تحریم‌هاست. با این وصف، حاکمیت ناگزیر از اولویت‌بندی کالاهایی شد که برای آن‌ها صف تقاضای ارز وجود داشت. از سوی دیگر، زمان تحویل کالاهای وارداتی با توجه به اولویت کشور، دارای اهمیت تلقی شده و بانک مرکزی ناگزیر از أخذ تعهدنامه‌های متعدد از مشتری گردید.
  - در عرصه سیاست خارجی برای حاکمیت: از بین رفتن اعتبار نظام بانکی به دلیل فقدان امکان مبادلات ارزی در کنار صعوبت عملیات خزانه‌داری ارزی و جابجایی ارز همگی از نتایج زیانبار منع ایران در بهره‌برداری از شبکه پرداخت رسمی است.
  - در عرصه صادرات برای تجار: صادرکنندگان با مشکل جدی در بازگشت ارز حاصل از صادرات خود مواجه شده و دیگر نمی‌توانستند ارز خود را از طریق حساب‌های موجود به نام خود، منتقل کنند.
  - در عرصه واردات برای تجار: واردکنندگان به دلیل وجود ریسک عدم وصول وجه توسط فروشنده، ناگزیر به تحمل ریسک‌های نامتعارف شدند برای مثال ابزار پرداخت اعتبارات اسنادی به کلی کنار گذاشته شده و واردات بر محور حواله رونق جدی گرفت.
- بانک مرکزی به عنوان متولی امور مربوط به مقررات‌گذاری و نظارت بر معاملات ارز در کشور<sup>۱</sup>، در مواجهه با مسائل فوق، تصمیمات متعددی اتخاذ می‌کند که با نگاه اولیه،

---

۱. بانک مرکزی به موجب بند «ج» ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی و تعهد یا تضمین پرداخت‌های ارزی و همچنین نظارت بر معاملات ارزی را بر عهده دارد؛ بر همین اساس بنا به تکالیف و اختیارات قانونی خود در

برخی از این تصمیمات موافق اصول حقوقی نیست. برای مثال، در لایه سیاست خارجی حاکمیت و مسئله عملیات خزانهداری ارزی، به علت محدودیت‌های ارزی، بانک مرکزی پس از تخصیص ارز، معادل ارز تخصیصی را به هر ارزی که در دسترس داشته باشد تأمین می‌کند لذا چنانچه ارز تحویل شده و ارز تأمین شده یکسان نباشد، طبعاً محدودیت‌های متفاوتی بر واردکننده وارد خواهد شد که هیچ پیش‌بینی از آن‌ها نداشته و مشخص نیست چه کسی باید مسئولیت ریسک‌های مترتبه را بر عهده بگیرد. در لایه سیاست داخلی نیز بانک مرکزی برای تضمین واردات کالا در مهلت مورد نیاز کشور، اخذ تعهدنامه‌ای تحت عنوان «تعهدنامه پذیرش نوسانات نرخ ارز در صورت تأخیر در ارائه اسناد حمل» توسط بانک‌های عامل را برای واردات الزامی نمود. همچنین به جهت تضمین واردات کالای مورد اولویت کشور و عرضه آن به قیمت مصوب دولت، اخذ تعهدنامه دیگری تحت عنوان «تعهدنامه پذیرش نوسانات نرخ ارز در صورت تغییر گروه کالایی» به موجب بخشنامه شماره ۹۶/۴۲۶۳۷۳ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۸ الزامی شد. نکته شایان توجه در خصوص این دو تعهدنامه آن است که باید به لحاظ زمانی، در هنگام مطالبه خدمت مشتری از بانک و پیش از تأمین و تخصیص گردند. با این وصف، چنانچه تعهدنامه‌ای که از مشتریان اخذ شده، بدون تاریخ باشد، چه وضعیتی پدید خواهد آمد؟ این نوشتار سعی دارد از رهگذر بررسی دو دادنامه با همین موضوع، وضعیت این تعهدنامه‌ها را به بحث بگذارد. به همین جهت پس از بیان این مقدمه و شرحی از آراء، به بررسی شکلی و محتوایی آن‌ها با رویکرد انتقادی خواهیم پرداخت. شایان ذکر است مطالب این نوشتار صرفاً بحثی علمی بوده و به هیچ وجه، ناظر به قضاوت صادرکننده رأی نیست و نگارنده خود را شاگردی از شاگردان ایشان قلمداد می‌کند.

## ۱. روش نقد آراء

نقد یک رأی قضایی، مستلزم بحث از اجزاء دادنامه شامل مشخصات دعوا، گردش‌کار و رأی صادره در شکل و ماهیت است. برای صدور یک رأی، شایسته است

---

مقاطع زمانی مختلف و با در نظر گرفتن شرایط و تحولات اقتصادی، نسبت به صدور بخشنامه و دستورالعمل در ارتباط با مسائل ارزی کشور از جمله اعتبارات اسنادی، بروات اسنادی، حواله‌های ارزی و ... اقدام می‌نماید.

قاضی پیش از ورود به مسئله، گردش کار را ذکر کند و در آن بخش روایتی حقوقی از پرونده ارائه دهد. طی این گردش کار، قاضی پرونده قضیه اصطلاحاً خارجیه که دارای زوائد و خواشی بسیار زیاد است را تبدیل به مصداق کرده و در متن دادنامه، مصداق را بر حکم تطبیق می‌دهد. در گام دوم، یعنی صدور دادنامه، قاضی صلاحیت شکلی و ماهوی خود در راستای اظهار نظر حول موضوع را ارائه می‌دهد و ملاحظات مرتبط یا غیر مرتبط را تفکیک می‌کند. سپس رأی دادنامه‌ای مستند به قانون و ملاحظات مرتبط را انشاء می‌کند. در بخش ملاحظات شکلی دادنامه نیز ضروری است قاضی، هر یک از موضوعات مورد خواسته را با بیانی شفاف و غیرقابل ابهام، تعیین تکلیف نماید. با این وصف به شرح ذیل به بررسی دادنامه‌های فوق خواهیم پرداخت.

## ۲. بررسی شکلی آراء

در مقام بررسی شکلی، فارغ از ایراداتی که در نگارش متن از حیث جاافتادگی برخی الفاظ و علائم نگارشی - که درون قلاب مشخص شده - وجود دارد، موارد ذیل حائز توجه است:

نخست، قاضی محترم بدوی صرفاً ادعای خواهان و خوانده را در متن گردش کار ذکر کرده است، در حالی که مسیر استدلالی شاکی و نیز دستگاه طرف شکایت در مقام دفاع از آن استدلال نیز اهمیت دارد. به همین جهت، مشخص نیست قاضی بدوی در خصوص تعهدنامه دارای تاریخ مؤخر بر ثبت سفارش اظهار نظر نموده یا در خصوص تعهدنامه بدون تاریخ، مدعیات را بررسی می‌کند.

دوم، دادنامه بدوی به احراز صلاحیت آن محکمه در خصوص موضوع نپرداخته و بلافاصله وارد رسیدگی ماهوی شده است؛ حال آنکه بدو می‌بایست نسبت به صلاحیت خود اظهار نظر می‌نمود.

سوم، قاضی محترم بدوی طی استدلال سوم خود، خرید ارز با نرخ مبادله‌ای و عرضه کالا به نرخ دولتی را نوعاً اجحاف در حق واردکننده دانسته است. این در حالی است که اولاً، اجحاف یا عدم اجحاف نمی‌تواند منشأ حق باشد. مؤید این ادعا آنکه عملاً در رأی تجدیدنظر هیچ پاسخی به این استدلال داده نشده و حکم به

نقض دادنامه بدوی صادر گردیده است. بنابراین، حمل این استدلال به‌عنوان یک مدعای حکمی، امری صحیح به نظر نمی‌رسد. در مقابل، پذیرش این استدلال به‌عنوان یک امر اثباتی و استدلال صغروی پس از بیان حکم معامله اضطراری می‌توانست به تقویت استدلال دوم منجر شود که با دقت نظر ناکافی همراه شده و موجبات نقض رأی را فراهم آورده است.

### ۳. بررسی ماهوی آراء

#### ۳-۱. مقدمات موضوع

بررسی ماهوی آراء صادره اساساً نیازمند ارائه مقدمات موضوع به شرح ذیل است:  
۳-۱-۱. به استناد تبصره (۳) ذیل ماده (۷) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دولت حدود و مقررات استفاده از ارز را تعیین می‌نماید. همچنین براساس تصویبنامه شماره ۶۳۷۹۳/ت/۵۵۵۶۳۳ هـ مورخ ۱۳۹۷/۵/۱۶ هیئت وزیران، حدود و مقررات استفاده از ارز را به شرح ذیل اعلام نموده و تخصیص ارز با نرخ رسمی را صرفاً برای برخی از گروه‌های کالایی دارای اولویت، مجاز دانست:

الف) تأمین ارز به نرخ رسمی توسط این بانک صرفاً بابت واردات کالاهای فهرست گروه یک (شامل کالاهای اساسی، ضروری، دارو و ملزومات و تجهیزات پزشکی) و برای سایر کالاها (گروه دوم) از طریق بازار دوم ارز مجاز اعلام گردیده است.

ب) وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است با همکاری وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نسبت به بازنگری و روزرسانی فهرست کالاهای مذکور و اعلام آن به این بانک اقدام نماید.

۳-۱-۲. با توجه به مفاد تصویب‌نامه‌های شماره ۷۰۲۲۰/ت/۵۵۵۶۳۳ مورخ ۱۳۹۷/۵/۲۹ (موضوع اصلاح بند (۵) از تصویبنامه شماره ۶۳۷۹۳/ت/۵۵۵۶۳۳ هـ مورخ ۱۳۹۷/۵/۱۶)، شماره ۱۳۰۴۲۴/ت/۵۵۶۸۶۸ هـ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۰ و ۱۰۰۷۱۲/ت/۵۷۵۰۳ هـ مورخ ۱۳۹۹/۹/۸ هیئت محترم وزیران، کالاهایی که ارز آنها به نرخ رسمی تأمین شده است، در صورت تغییر اولویت کالایی از گروه یک به گروه دو، مشمول پرداخت

مابه‌التفاوت نرخ ارز اعلامی از سوی کارگروه تنظیم بازار خواهند شد که در این راستا، با اتخاذ تصمیم و ابلاغ مصوبات شماره ۹۸/م/۲۲/۱۰۰۷ مورخ ۹۸/۳/۱۹، شماره ۶۰/۱۰۰۴۴۹ مورخ ۶۰/۹/۱۳۹۸، شماره ۶۰/۲۲۳۹۱۴ مورخ ۶۰/۸/۲۱ و شماره ۱۳۹۸/۸/۲۱ و شماره ۹۹/م/۲۲/۱۴۰۸ مورخ ۹۹/۳/۱۹، شماره ۱۳۹۹/۳/۱۹ کارگروه تنظیم بازار و نامه شماره ۶۰/۲۵۳۱۲۶ مورخ ۶۰/۹/۲۰ مورخ ۱۳۹۸/۹/۲۰ معاونت بازرگانی داخلی و دبیر کارگروه مذکور، مقرر گردیده است تا مواردی که کالا بعد از تاریخ تغییر اولویت کالایی، ترخیص می‌شود، در صورت عدم ارائه تأییدیه از سازمان‌های ذیربط مبنی بر تحویل و یا توزیع کالا در شبکه‌های تحت نظارت آنها و به قیمت مصوب و نرخ ارز تخصیصی (معادل ۴۲۰۰۰ ریال به ازای هر دلار)، با اخذ تعهدنامه از واردکننده مبنی بر پرداخت مابه‌التفاوت قطعی نرخ ارز بابت تغییر گروه کالایی و پرداخت آن حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ترخیص، صدور اعلامیه تأمین ارز جهت انجام فرایندهای مرتبط با گمرک و متعاقباً ترخیص قطعی کالا صورت پذیرد که مراتب طی نامه‌های عمومی شماره ۹۸/۵۸۸۷۸ مورخ ۹۸/۲/۲۵ و ۱۳۹۸/۸/۰۶۶۱ مورخ ۹۸/۳/۱۲ و ۱۳۹۸/۱۵۶۴۲۱ مورخ ۹۸/۵/۹ و ۱۳۹۸/۱۶۱۰۹۳ مورخ ۹۸/۳/۱۳، ۱۳۹۸/۵/۱۳، ۹۸/۳۶۳۲۰۲ مورخ ۹۸/۱۰/۲۱ و شماره ۹۹/۱۰۶۲۹۰ مورخ ۹۹/۴/۱۲ از سوی بانک مرکزی به شبکه بانکی ابلاغ گردیده است.

۳-۱- آنچه از گردش کار دادنامه‌های فوق پیداست، در هنگام ثبت سفارش، کالای وارداتی جزو گروه یک کالایی محسوب می‌شده لذا تخصیص ارز مربوطه با نرخ رسمی معادل ۴۲۰۰۰ ریال به ازای هر دلار صورت پذیرفته است؛ لیکن به دلیل ترخیص کالای مربوطه پس از تاریخ تعیین شده از سوی کارگروه تنظیم بازار (۱۳۹۸/۲/۱۱) و نیز عدم ارائه تأییدیه توزیع و قیمت گذاری کالا از دستگاه ذیربط (سازمان پشتیبانی و امور دام کشور) اخذ مابه‌التفاوت نرخ ارز بابت تغییر گروه کالایی به استناد مقررات فوق الزامی شده است.

به تبع مقدمات فوق، شاکی به دیوان عدالت اداری مراجعه نموده و ادعای بی- اعتباری تعهدنامه‌های مابه‌التفاوت نرخ ارز و تبعاً معافیت از پرداخت آن را نموده که

پرونده پس از ارجاع به شعبه و تبادل لوایح، منجر به صدور دو فقره رأی به شرح یادشده گردیده است. در این خصوص، قاضی محترم بدوی به بیان چند استدلال به شرح ذیل بسنده کرده که قضات محترم تجدیدنظر ضمن رد آن‌ها، دادنامه بدوی را نقض نموده‌اند:

### ۲-۲. بررسی استدلال نخست: اعتبار تعهدنامه‌های مأخوذه پس از ثبت سفارش

#### ۱-۲-۳. تقریر استدلال دادگاه بدوی

مهم‌ترین رکن استدلال قاضی محترم بدوی، آن است که اولاً دلیلی بر أخذ همزمان تعهدنامه‌ها و ثبت سفارش وجود ندارد لذا چنانچه تعهدنامه‌ای نیز وجود داشته باشد، اقتضای اصل تأخر حادث<sup>۱</sup> بر این است که چون تاریخ ثبت سفارش معلوم است، حتی چنانچه تعهدنامه بدون تاریخ باشد، فرض می‌کنیم بعد از ثبت سفارش أخذ شده است. ثانیاً آراء وحدت رویه متعدد دیوان عدالت اداری منجمله «رأی وحدت رویه شماره ۷۲۹-۷۳۷ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۲۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری» دلالت بر این دارد که چنانچه تعهدنامه در هنگام ثبت سفارش أخذ نگردیده باشد، خلاف شرع محسوب می‌شود لذا تعهدنامه‌های مأخوذه بلااعتبار است.

#### ۲-۲-۳. نقد و بررسی

در مقام بررسی این استدلال باید گفت:

#### ۱-۲-۳. دیوان عدالت اداری طی آراء دیگری، از جمله «رأی شماره ۷۴۹

مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری» و «رأی شماره

۱۶۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۳۰» و «رأی

---

۱ اصل تأخر حادث بیان می‌کند که وفق اصل استصحاب عدم، هرگاه دو امر یا حادثه وجود داشته باشد که تاریخ یکی معلوم و تاریخ دیگری مجهول باشد، طبق این اصل حادثه ای که تاریخ آن مجهول است حادثه موخر (آخرین حادثه) فرض می‌شود و حادثه ای که تاریخش معلوم است مقدم (اولین حادثه) فرض می‌شود. (سبحانی، ۱۴۲۰ ق: ۳۹۲-۳۹۴) اجرای این اصل در مصادیق مختلف نتایج مختلفی دارد به عنوان مثال در خصوص دو معامله با اجرای اصل تأخر حادث معامله معلوم التاریخ (اولین معامله) صحیح فرض می‌شود اما با اجرای همین اصل در دو وصیت نامه متعارض، وصیت نامه مجهول التاریخ (آخرین وصیت نامه) صحیح فرض می‌شود زیرا حاوی آخرین اراده موصی می‌باشد.

شماره ۱۱۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۱ «که همگی مستند به نظرات شورای نگهبان صادر شده‌اند، حکم بر «ابطال اطلاق مصوبه نسبت به مواردی که قراردادهای قطعی تأمین و فروش ارز بین بانکها و متقاضیان منعقد شده باشد و شرطی مبنی بر الزام طرف‌های قرارداد به پرداخت مابه‌التفاوت وجود نداشته باشد» صادر نموده لکن هیچیک از آراء فوق در مقام توضیح و تبیین «شرط معتبر» برنیامده است. حتی «رأی شماره ۳۰۵۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری» نیز در مقام استدلال در خصوص بی‌اعتباری تعهدنامه‌های مأخوذه پس از ثبت سفارش به آراء شماره ۷۲۹ الی ۷۳۷ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۲۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری استناد نموده است.

۲-۲-۲. رأی وحدت رویه مورد استناد قاضی محترم، مشتمل بر دو نظریه از سوی شورای نگهبان است. طی نظریه اول قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۳۳۲۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۷ چنین بیان نموده که «در صورتی که در قرارداد اولیه قید نشده باشد که مابه‌التفاوت را در موقع ترخیص بپردازند، خلاف موازین شرع می‌باشد.» نظریه دوم به موجب نامه شماره ۹۳/۱۰۰/۳۳۳۷ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۸ دبیر محترم شورای نگهبان به این شرح تنظیم گردیده است: «با توجه به اینکه شاکی (شرکت دارو شیشه) در بند اول تعهد نامه به بانک عامل، هرگونه تغییر و نوسان در نرخ ارز را که بر اساس مقررات بانک مرکزی ایجاد شود قبول و تایید نموده و ملزم به پرداخت هم ارز ریالی آن شده است و بخشنامه مورد شکایت مآلاً به آن بر می‌گردد، لذا دستورالعمل مذکور خلاف موازین شرع شناخته نشد.»

۳-۲-۲. متعاقب وصول نظریات مذکور، نهایتاً هیئت عمومی دیوان عدالت اداری از مجموع دو نظر مذکور چنین برداشت نموده است که «اطلاق بخشنامه‌ها در قسمت‌های مورد اعتراض در حدی که مفید الزام مشتریان بانکها به پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز در فرضی که به هنگام مطالبه خدمت از بانک، مابه‌التفاوت نرخ ارز در زمان انعقاد قرارداد خرید خدمت و

ایفای نهایی تعهد از سوی بانک را متعهد نشده اند و به موجب بخشنامه‌ها مکلف به پرداخت مابه‌التفاوت شده اند مغایر شرع است.» علت این نظر را باید در گزارش کارشناسی صورت گرفته حول موضوع به تاریخ ۱۳۹۳/۰۵/۱۶ جویا شد.

۳-۲-۴. گزارش کارشناسی صادره در خصوص اعتبارات اسنادی شرکت دارو شیشه حاکی از آن است که<sup>۱</sup> تغییر نرخ ارز از نرخ رسمی موجود در قرارداد گشایش اعتبار اسنادی به نرخ مبادله‌ای، عملاً ابطال کد تخصیص صورت گرفته و ایجاد کد تخصیص جدید محسوب شده و این عمل به مثابه فسخ یکطرفه تلقی می‌گردد و ثانیاً تعلق مابه‌التفاوت نرخ ارز به معاملاتی که سابقاً ۱۰۰٪ وجه آن‌ها پرداخت شده، عملاً عطف بماسبق نمودن احکام بخشنامه محسوب شده و قبیح است.

۳-۲-۵. علی‌رغم اینکه در متن دادنامه شماره ۱۱۱۷ مورخ ۱۴۰۰/۴/۰۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، توضیحی در خصوص مفهوم شرط معتبر ارائه نشده لکن پس از صدور رأی مزبور، بانک مرکزی به منظور اجرای دادنامه مزبور و با هماهنگی قاضی محترم اجرای احکام هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، بخشنامه شماره ۰۰/۳۰۴۸۳۹ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۸ را به شبکه بانکی ابلاغ و صراحتاً عنوان نمود که «در صورتی که در زمان مطالبه خدمت یا در قرارداد اولیه (ضمن شرط

---

۱. نظریه مذکور در مقام بیان مصادق چنین تلقی نموده است که آن شرکت به تبع تخصیص ارز، طی یک فقره گشایش اعتبار اسنادی معادل ریالی ۱۰۰٪ اعتبار را به بانک پرداخت نموده است. حالیه از آنجا که ماهیت قرارداد گشایش اعتبار اسنادی، تعهد به خرید ارز و جابجایی آن (جعاله) است، عملاً مبلغ پرداختی ثمن معامله تلقی نگردیده و پیش‌پرداخت جعل محسوب شده و جعل نهایی عبارت است از معادل ریالی مبلغ اعتبار اسنادی با محاسبه قیمت ارز در روز پرداخت اسناد به علاوه کارمزد بانک عامل. با توجه به این مقدمه، جعاله اعتبار اسنادی نوعاً یک بیع و یک تعهد به پرداخت محسوب شده و گزارش شورای نگهبان در خصوص اخذ مابه‌التفاوت نرخ ارز از این معامله اگرچه دارای استدلال‌های موافق و مخالف است، فارغ از اظهار نظر می‌باشد.

معتبری) تعهد نامه پذیرش پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز و یا تعهد پذیرش نوسانات و تغییرات نرخ ارز توسط آن بانک، از متقاضی اخذ نگردیده باشد، اخذ مابه‌التفاوت مربوطه، موضوعیت نخواهد داشت.» لذا مفهوم شرط معتبر و مقید بودن آن به زمان تخصیص ارز سابقاً تعیین تکلیف شده است.

۳-۲-۶. با این وصف، دو نتیجه از بررسی فوق حاصل می‌شود: اول آنکه به دلیل بیان حیثیت حکم (یعنی پرداخت صد درصد معادل ریالی ارز در هنگام درخواست خدمت) نظریات فوق اختصاصی به اعتبار اسنادی نداشته و به طریق اولی در خصوص حواله، مجری است. ثانیاً شورای نگهبان اخذ تعهدنامه در هنگام ثبت سفارش را به صورت وحدت مطلوب مدنظر قرار داده است. این در حالی است که شعبه تجدیدنظر بدون توجه به مبانی فوق، نظریات شورای نگهبان حمل بر تعدد مطلوب نموده و تعهدنامه را فارغ از زمان اخذ آن واجد اعتبار دانسته است.

### ۳-۲-۳. نتیجه بررسی استدلال نخست

توجهاً به مقدمات فوق، استدلال شعبه بدوی در این قسمت صحیح است. همچنین قاضی محترم می‌توانست به این نکته استدلال کند که چنانچه خرید ارز را امری حاکمیتی تلقی کنیم که بانک مرکزی در آن حق تعدیل به صورت یکطرفه دارد، باید اصل جبران عادلانه را نیز رعایت نموده و در ازای محاسبه نرخ ارز به نرخ بازار دوم، اجازه عرضه کالا در شبکه توزیع به قیمت غیر دولتی را نیز صادر نماید در حالی که در فرض حاضر، کالا به قیمت دولتی عرضه شده است. نکته حائز اهمیت پایانی آن است که قاضی محترم می‌توانست به دادنامه شماره ۱۱۱۷ مورخ ۱۴۰۰/۴/۰۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اشاره کند که صراحت بیشتری در خصوص موضوع داشت لکن به ذکر آراء شماره ۷۲۹ الی ۷۳۷ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۲۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری اکتفا نموده است.

### ۳-۲-۳. بررسی استدلال دوم: معامله اضطراری یا سوء استفاده از اضطرار

#### ۳-۳-۱. تقریر استدلال ادگاه بدوی و نقد دادگاه تجدیدنظر

قاضی محترم بدوی به‌عنوان دومین استدلال، بر اضطراری بودن تعهدنامه‌های بی‌تاریخ یا با تاریخ مؤخر تأکید نموده است؛ در حالی که همان‌گونه که در استدلال

دادگاه تجدیدنظر بیان شده، معامله اضطراری به صراحت ماده ۲۰۶ قانون مدنی صحیح و نافذ است. بر این اساس، باید پرسید چرا قاضی محترم علی‌رغم علم به این موضوع، به اضطرار تمسک نموده و تعهدنامه‌ها را باطل دانسته است؟ دقت نظر مضاعف در مفاد رأی نشان می‌دهد مقصود قاضی بدوی، سوء استفاده بانک‌ها از اضطرار واردکنندگان در واردات کالا و أخذ تعهدنامه است. به تعبیر دیگر، واردکنندگان چنانچه این تعهدنامه را امضا نکنند، کالای اساسی آن‌ها (که عمدتاً سریع‌الفساد است) قابل ترخیص نبوده و جزو اموال تملیکی محسوب خواهد شد. لذا اساساً عدم امضای تعهدنامه از سوی واردکننده، منجر به انتقال کالا به انبار اموال تملیکی گردیده و طبعاً واردکننده که در اضطرار تعهدات خویش است، این تعهدنامه‌ها را امضا می‌نماید. با این وصف، دقت نظر ناکافی قاضی محترم بدوی در به کار بردن لفظ دقیق «سوء استفاده از اضطرار» به جای لفظ «اضطرار»، عملاً موجبات سوء برداشت مرجع تجدیدنظر را نیز فراهم نموده است.

#### ۴-۳. بررسی استدلال سوم: اجحاف در حق واردکننده

##### ۴-۳-۱. تقریر استدلال دادگاه بدوی و نقد دادگاه تجدیدنظر

با لحاظ بند فوق، استدلال قاضی محترم بدوی به لحاظ ماهوی صرفاً شامل حکم «معاملات مضطر در وضعیت سوء استفاده از اضطرار، صحیح نیست» می‌باشد و در مقام ارائه دلیل مبنی بر وقوع اضطرار، به این نکته اشاره نموده است که چنانچه ارز با نرخ مبادله‌ای محاسبه شود، در حالی که کالا با نرخ دولتی عرضه شده است، نوعاً اجحاف در حق واردکننده است. قضات محترم تجدیدنظر این استدلال را در دو سطح نقد نموده‌اند: اولاً، اصل معاملات اضطراری را در موضوع حاضر به لحاظ حکم وضعی، واجد وصف صحت دانسته و ثانیاً، بر فقدان دلیل و اماره در خصوص وقوع اضطرار تأکید کرده‌اند. در مقام بررسی نیز همانند متن دادنامه باید در دو سطح به تحلیل استدلال‌ها بپردازیم:

##### ۴-۳-۲. تفاوت اضطرار و اکراه و تطبیق بر موضوع

جهت هرگونه اظهار نظر، بدو باید دو مقدمه مشتمل بر بررسی تفاوت میان اضطرار و اکراه و تطبیق حکم و موضوع صورت پذیرد:

۳-۴-۲-۱. میان اضطرار و اکراه تفاوت‌هایی شمرده شده است؛ از جمله، دکتر کاتوزیان انگیزه اصلی اضطرار را امری درونی و نفسانی می‌داند که برای فرار از ضرر دیگر صورت می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۵۱۵). همچنین، در اکراه نیز معامله برای دفع ضرر صورت می‌گیرد، با این تفاوت که در اکراه، جهت مستقیم یا اختیار در ید او نیست؛ در حالی که در وضعیت اضطرار، او از روی اختیار انجام معامله را برمی‌گزیند. به بیان دیگر، اضطرار ناشی از فشار درونی است، در حالی که اکراه ناشی از فشار بیرونی است، هرچند هر دو وضعیت با داعیه دفع ضرر صورت می‌گیرند (امامی، ۱۳۶۴: ۱۹۴). همچنین، فقها در مقام بیان موضوع، متعلق اکراه را نفس فعل می‌دانند و چنانچه هدف امری غیر از نفس فعل باشد، مانند پرداخت پول، و فرد بتواند بین فروش خودرو یا فروش خانه انتخاب کند تا پول را پرداخت کند، چنین معامله‌ای ملحق به معاملات اضطراری بوده و محکوم به صحت است (خوئی، ۱۳۹۵ ق: ۲۹۰)؛ هرچند برخی فقها شبهه «اکراه به شیء، ملازم اکراه به مقدمات آن است» را طرح نموده‌اند (حکیم، ۱۳۷۱ ق: ۱۹۱). با این وصف، چنانچه معامله ناشی از اضطرار صورت پذیرد، در چه شرایطی می‌توان حکم معاملات اکراهی را بدان تسری داد؟

۳-۴-۲-۲. برای پاسخ به سؤال فوق، باید گفت قراردادهای اضطراری ناشی از اکراه بر سبب معامله، دارای دو نوع هستند: نوع اول آنکه متعامل با ایجاد شرایطی، زمینه وادار شدن فردی به معامله با خود را فراهم می‌کند و حالت دوم، موردی است که متعامل شرایط اضطراری جهت وقوع معامله را ایجاد نکرده است (نورآبادی و سعادت مصطفوی، ۱۳۹۷: ۵۴). وضعیت حکمی معاملات مضطر در وضعیت سوء استفاده از اضطرار، اعم از دو حالت فوق، در نظام حقوقی ایران تصریح نشده و از این حیث، پنج نظر به شرح ۱. صحت معامله، ۲. صحت معامله با حق فسخ برای مضطر، ۳. عدم نفوذ معامله، ۴. تعدیل معامله و ۵. بطلان معامله حول آن مطرح شده است که نهایتاً با توجه به جمیع جهات، عمده اندیشمندان در حالت اول، اقتضای

اخلاق حسنه و خصوصاً نظم عمومی را عدم شناسایی اصل صحت قراردادی دانسته (نورآبادی و سعادت مصطفوی، ۱۳۹۷: ۵۷) و به استناد وقوع رکن معنوی اکراه، عدم نفوذ را با منطق حقوقی سازگارتر دانسته‌اند (بهاری غازانی و زارع، ۱۴۰۱: ۱۷۴؛ سعادت مصطفوی و نورآبادی، ۱۳۹۶: ۵۶). حالت دوم نیز از موضوع پرونده خارج است.

### ۳-۴-۳. تطبیق بر پرونده حاضر

با این وصف و در موضوع حاضر، سه فرض به نظر می‌رسد: اولاً، با توجه به اینکه بانک‌های عامل و بانک مرکزی، ذی‌نفعان دریافت مابه‌التفاوت نرخ ارز نیستند، چنانچه متعلق اکراه را نفس فعل بدانیم و نه نتیجه آن، می‌توان ادعا کرد اساساً تعهدنامه مأخوذه اکراهی بوده و عدم نفوذ بر آن حاکم است؛ هرچند این استدلال به لحاظ عملی دور از ذهن بوده و چون مشتری می‌تواند بین طی فرایند قضایی جهت ترخیص کالا و پذیرش تعهدنامه و ترخیص فعلی کالا یک فقره را انتخاب کند، وضعیت اضطراری به ذهن نزدیک‌تر است. ثانیاً، می‌توان ادعای اضطرار ملازم با تحقق رکن معنوی اکراه را نمود که به ذهن نزدیک‌تر بوده و آن هم مشمول حکم عدم نفوذ است. لکن چنانچه فرض سوم یعنی اضطرار صرف را صادق بدانیم، ارائه تعهدنامه محکوم به صحت است؛ هرچند جمیع جهات حکایت از وقوع فرض دوم دارد.

### ۳-۴-۴. فقدان دلیل اثباتی برای وقوع اضطرار

قضات محترم تجدیدنظر، علاوه بر اشکال در اصل تمسک به اضطرار در فرض وقوع آن، به فقدان دلیل اثباتی برای وقوع اضطرار نیز تمسک نموده‌اند؛ در حالی که استدلال سوم قاضی بدوی در واقع دلیل اثباتی وقوع اضطرار برای واردکننده است. به بیان ملموس‌تر، قاضی بدوی در صدد آن است که نشان دهد عملکرد بانک مرکزی و بخشنامه‌های مرتبط با موضوع، واردکننده را در شرایطی قرار داده است که یا باید تعهدنامه‌های پذیرش نوسانات نرخ ارز را امضا می‌کرده و کالایی که با نرخ مبادله‌ای خریداری نموده را با نرخ ارز رسمی محاسبه و تحویل سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان قرار می‌داده که بر خلاف اصل انصاف است و یا فرایند

قضایی الزام بانک به ظهرنویسی را طی می‌نمود که با احتمال بسیار زیاد، منجر به انتقال کالا به انبار اموال تملیکی و تفویت آن می‌شد. با این وصف، هرچند واردکننده به قصد ممانعت از یک زیان بزرگ‌تر، تعهدنامه‌ها را امضا کرده، لکن چون بروز این زیان منتسب به شبکه بانکی است و از سوی دیگر، متعهدله نیز شبکه بانکی است، عملاً رکن معنوی اکراه محقق خواهد شد و به نظر می‌رسد علی‌رغم استدلال ناقص قاضی بدوی، نتیجه‌گیری وی صحیح بوده و حکم صادره مستحق نقض نیست.

## نتیجه‌گیری

با توجه به نکات یادشده و بررسی جهات موضوعی و حکمی بیان‌شده در دادنامه‌های مذکور، بانک مرکزی به‌عنوان متولی ارز در نظام حقوقی ایران، واردکنندگان را مکلف به ارائه تعهدنامه‌ای تحت عنوان «تعهدنامه پذیرش نوسانات نرخ ارز» (ناشی از تغییر گروه کالایی یا تأخیر در ارائه اسناد حمل) می‌کند تا اطمینان حاصل کند واردکنندگان اولاً کالای دارای اولویت کشور را وارد و به قیمت دولتی در بازار عرضه می‌کنند و ثانیاً کالا در وقت مقرر توسط دولت وارد و عرضه می‌شود. أخذ چنین تعهدی به‌مثابه عدم قطعیت قرارداد فروش ارز تلقی شده و عملاً برای بانک‌ها حق تعدیل را رقم زده است. با این وصف، باید پرسید: «چنانچه این تعهدنامه‌ها در هنگام عقد قرارداد گشایش حواله ارزی تأیید و توشیح نشوند، وضعیت آن‌ها چگونه خواهد بود؟» در پاسخ به این پرسش، ضمن طرح و بررسی دو دادنامه بدوی و تجدیدنظر مرتبط با یک دادخواست، نشان داده شد این تعهدنامه‌ها نوعاً در مقام سوء استفاده بانک از اضطرار مشتری در ترخیص کالا أخذ گردیده و از این حیث محکوم به عدم نفوذ هستند. همچنین، اقتضای مصالح عمومی آن است که چنانچه تصمیم یک‌جانبه بر تعدیل یک قرارداد أخذ می‌شود، جبران عادلانه آن صورت پذیرد؛ در حالی که در مورد حاضر، هم واردکننده مکلف به عرضه کالا به قیمت دولتی گردیده و هم قرارداد حواله ارزی به‌نحوی تعدیل گردیده که ارز خریداری‌شده با قیمت بازار دوم با وی محاسبه شود.

## فهرست منابع

### کتاب

۱. امامی، سید حسن (۱۳۶۴)، دوره حقوق مدنی، جلد دوم، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۲. حکیم، سید محسن (۱۳۷۱ق)، نهج الفقاهة، نجف: حوزه علمیه.
۳. خوئی، سیدابوالقاسم، (۱۳۹۵)، مصباح الفقاهة، بیرون: دارالتراث الاسلامیة.
۴. سبحانی، جعفر (۱۴۲۰ق). الموجز فی اصول الفقه، جلد دوم، قم: موسسه الامام الصادق.
۵. کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۶۴)، قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، تهران: دانشگاه تهران.

### مقاله

۱. بهاری غازی، مجید، زارع، اکبر. (۱۴۰۱). ضمانت اجرای سوء استفاده از قاعده اضطرار در حقوق ایران و فرانسه. مجله تحقیقات حقوقی بین المللی، دوره ۱۵، شماره ۵۵.
۲. سعادت مصطفوی، سید مصطفی، نورآبادی، علیرضا. (۱۳۹۶). وضعیت معاملات مضطر در حالت سوءاستفاده از اضطرار (با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و اصول قراردادهای تجارت بین المللی). مجله آموزه‌های حقوقی گواه، دوره ۲، شماره ۳.